

مقاله

اندرون ← اندون، پرورش ← پروش، دراز ← داز، مروارید ← مروارید.

– در برخی از کلمات حذف صامت r موجب التفای دو مصوّت می‌گردد که برای سهولت تلفّظ یکی از دو مصوّت حذف می‌شود. از این دست است آفریدگاران که، پس از حذف صامت r، دو مصوّت ā در پی هم می‌آیند که یکی از آنها حذف می‌شود. نمونه‌های دیگر آن است: پلیدکاران ← پلیدکان، زناکاران ← زناکان، زیانکاران ← زیانکان.

نویسنده، با معرفی متونی که شواهد این تحوّل را در بردارند و تاریخ کتابت آنها، کوشیده است زمان و خاستگاه این تحوّل را به دست دهد. وی نتیجه گرفته است که این تحوّل در قرن‌های پنجم تا دهم در مناطق شرقی و مرکزی ایران مانند خراسان و نیشابور و ری رایج بوده است. ز.ح.س.آ.

عمرانی، هاله، «از آن پدر این دختر: ایدئولوژی آخرین شاهان ساسانی و به قدرت رسیدن بوران‌دخت»، نامۀ ایران باستان، سال هفتم، شماره اول و دوم (پیاپی ۱۳ و ۱۴)، ۱۳۸۶، تاریخ انتشار: اسفند ۱۳۸۷.

Emrani, Haleh, "Like Father, Like Daughter: Late Sasanian Imperial Ideology and the Rise of Bōrān to Power", *Nome-ye Irān-e Bāstān*, Vol. 7,

حاجی‌سیدآقایی، اکرم‌السادات، «بررسی تحوّل‌های یک واژه فوت‌شده از فرهنگ‌های فارسی»، نامۀ پارسی، شماره ۴۶ و ۴۷، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۵-۹۵.

نویسنده، در مقدمه مقاله، خاطر نشان ساخته که، بر اثر تحوّل‌های زبان فارسی در بستر پرتلاطم حوادث تاریخی، تفاوت فاحشی بین گذشته و حال این زبان پدید آمده است. وی، ضمن اشاره به پیشینه فرهنگ‌نویسی و قدمت دیرینه آن، یادآور می‌شود که در لغت‌نامه‌های فارسی همه واژه‌ها یا صورت‌های متروک برخی از واژه‌ها ثبت نشده و تحوّل آنها نشان داده نشده است. یکی از این واژه‌ها آفریدگاران در ترجمه «الخالیقون» است که به صورت آفریدگان درآمده است. نویسنده، با ارائه شواهدی از متون کهن و گویش‌های امروزی، جریان این تحوّل را شرح می‌دهد و اظهار می‌دارد که در این واژه با دو تحوّل آوایی روبه‌رو هستیم یکی حذف صامت r و دیگری حذف مصوّت ā که برای این هر دو پدیده زبانی در متون کهن شواهد متعدّد می‌توان سراغ گرفت که وی چند شاهد محض نمونه ذکر می‌کند.

– حذف صامت r پس از مصوّت بلند: آشکار ← آشکا، انار ← انا، مورچه ← مورچه، تنور ← تنو در گویش تالشی لنکران و آستارا و گیلان؛ کور ← کو در گویش تالشی لنکران؛ بگیر ← بگی در گویش دوانی و کازرونی.

– حذف صامت r در میان دو مصوّت:

Nos. 1-2, Serial Nos. 13-14, 2007-2008, Published in March 2009.

پادشاهی بوران و، پس از او، خواهرش آذرמידخت، هرچند کوتاه، مهم و بحث‌انگیز بوده است. در عصر ساسانی، هیچ زن دیگری پیش و پس از آن دو به پادشاهی نرسید. این واقعه، با توجه به محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در ایران عصر ساسانی، اهمیت بیشتری یافته و محققان متعدّد از جمله جمشید چوکسی، آلبرت دو یونگ، و منصور شکی به آن توجه کرده‌اند. عمرانی، در این مقاله، عواملی را بررسی کرده که، با توجه به مرام شاهنشاهی در ایران خصوصاً شاهنشاهان ساسانی، به حکومت این دو زن و جهت قانونی داده است.

در این مرام، شاه به دلیل برخورداری از خوَرّه (فرّه ایزدی)، ودیعه‌ای الهی برای پادشاهی، مشروعیت داشت و این خوَرّه خاصّ خاندان شاهی بود. از طرفی، شاهان ساسانی خود را به شاهان اساطیری کیانی نیز منسوب می‌دانستند که پاسداران حقیقی فرّه بودند. وقتی بوران در سال ۶۲۹ م به سلطنت رسید، به عنوان فرزند خسرو پرویز، که پسر نداشت، شایستگی جانشینی او را داشت؛ چون پاسدار حقیقی خوَرّه بود. وی یگانه زن سلسله پادشاهی است که تصویرش، با

تاجی بر سر، بر سکه‌های ساسانی منقوش است. این تاج و تاج خسرو پرویز، هر دو، نمادی بودند از ایزد بهرام، ایزد پیروزی با بال‌های گسترده. ظاهراً شباهت تاج بوران با تاج خسرو جنبه نمادین داشت برای آنکه رابطه میان دختر و پدر را پُررنگ‌تر سازد.

چهره ظاهری شاه نیز در مشروعیت بخشیدن به پادشاهی او دخیل بود. در توصیفی که از بوران می‌شود و در نقش سکه‌ها این چهره را می‌توان دید. وی، همچون دیگر شاهان ساسانی با تبرزینی در دست بر تخت سلطنت نشسته است. ضمناً برای برخورداری از فرّه ایزدی جنسیت شرط نبوده است. در گاهان، زنان از نظر معنوی همان جایگاه مردان را دارند.

به نظر مؤلف مقاله، به سلطنت رسیدن بوران و آذرמידخت سنت‌شکنی نبود بلکه، به نوعی، اقتضای شرایط برای حفاظت از مرام و سنت شاهنشاهی ساسانی بود. خون شاهی در رگ‌های این دو خواهر جاری بود. آنان فره‌مند بودند و شایستگی لازم را برای پادشاهی داشتند. اشراف ساسانی و رهبران مذهبی، با حمایت از پادشاهی این دو خواهر و بی توجه به جنسیت، توانستند تقدس پادشاهی و جایگاه نهاد مزدایی را حفظ کنند. آ. ر. (ط.)

